

**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**14010303**

**موضوع**: زکات مال التجاره /من تجب علیه الزکاه /زکات

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد زکات متجر به، صبی بود. به مناسبت، مباحث تجارت با مال صبی و اقتراض از مال او بیان شدند. در این جلسه به دسته بندی روایات این بحث پرداخته می‌شود.

# دسته بندی مضمون روایات

کل روایت‌هایی که مربوط به بحث زکات مال صبی و یتیم را در بندهای مختلفی تنظیم شده‌اند. فهرستی از مضامین احادیث بیان می‌شود و پس از آن به جمع بندی می‌پردازیم. حدودا یازده مضمون در روایات نقل شده است.

## دسته اول: ثبوت زکات، در فرض تجارت با مال صبی

اگر با مال صبی یا یتیم تجارت بشود، زکات دارد. این دسته از احادیث، اصل ثبوت زکات را بیان می‌کنند. شش حدیث در این دسته قرار می‌گیرند:

1. صحیحه یونس بن یعقوب[[1]](#footnote-1).
2. صحیحه محمد بن فضیل[[2]](#footnote-2).
3. موثقه عمر بن ابی شعبه[[3]](#footnote-3).
4. صحیحه محمد بن مسلم[[4]](#footnote-4).
5. صحیحه سعید السمان[[5]](#footnote-5).
6. صحیحه حلبی[[6]](#footnote-6).

در هیچ کدام از این روایت‌ها، قیدِ آنکه متجر باید ولیّ یا وصیّ باشد، وجود ندارد. از تعبیر «اذا اتجر به» یا «اذا عمل به» استفاده شده است.

نکته دیگر آنکه این روایت‌ها، شامل مواردی که آن تجارت شرعاً باطل باشد، نیستند. ظاهر «اذا اتجر به» آن است که تجارت صحیحی با آن مال بشود. به همین دلیل وارد بحث تجارت با مال صبی شدیم که ببینیم در چه مواردی تجارت با مال صبی، صحیح است. دسته‌های دیگر روایات، برای آن است که موضوعِ تجارتِ صحیح را مشخص کند.

دو روایت از این شش روایت (صحیحه سعید السمان و صحیحه حلبی) مضمونی دارند که مشابه آن مضمون در روایت‌های دیگری نیز نقل شده است. مضمون این دو، آن است که اولاً متجر ضامن است و ثانیاً ربح برای یتیم می‌باشد.

تجارت در چه صورتی صحیح است؟ به نظر می‌رسد هرجایی که شارع مقدس برای صبی، سودی را ثابت کرده است ـ تمام سود یا بخشی از آن ـ در واقع حکم به صحت آن معامله کرده است. سود، معلول معامله است و تا معامله صحیح نباشد، برداشتِ آن ربح نیز صحیح نیست. بنابراین در تمام مواردی که کل یا بعضی از سود، برای صبی ثابت شده است؛ نشانگر صحت معامله است.

در چه مواردی شارع مقدس، حکم به صحت معامله کرده است؟ روایات متعددی نقل شده‌اند که اگر با مال صبی تجارت بشود، سودش برای یتیم است و متجر نیز ضامن دانسته شده است.

اینکه متجر را ضامن دانسته‌اند، در مورد تجارت وصیّ نیز مطرح است یا نه؟ دسته دیگری از روایات هستند که در خصوص وصیّ می‌فرمایند اگر با مال صبی، تجارت بکند ضامن است.

علی ای تقدیر، این روایت‌ها هیچ قیدی ندارند که در مورد وصیّ است یا نه. هیچ وجهی ندارد این روایت‌ها، اختصاص به وصیّ داده شوند. اگر اختصاص به غیر وصیّ نداشته باشد، هیچ وجهی ندارد که اختصاص به وصیّ داشته باشد. چون فردِ روشنِ ضمان، در مورد غیر وصیّ است. ضمانت وصیّ، بعیدتر از ضمان غیر وصیّ می‌باشد.

بنابراین اگر قرینه خاصی وجود نداشته باشد، از این روایات استفاده می‌شود که ـ چه وصیّ و چه غیر وصیّ ـ اگر با مالِ طفل تجارت کند؛ سود برای یتیم است.

البته در این روایات، فرض کرده‌اند که مال، در دست و اختیار است. «من عنده المال» تجارت می‌کند. این روایت ظهور ندارد که شامل موردی بشود که ید متجر بر مال یتیم، ید غاصبانه باشد. وقتی گفته‌اند: «من عنده المال» اگر مرادشان یدِ غاصبانه بود، تصریح می‌کردند. ظاهر این عبارت آن است که ید او ید عدوانی نیست.

البته سؤال آن است که حق تجارت دارد یا نه. فرض نکرده‌اند که حق تجارت داشته باشد. بنابراین نسبت به ولایت بر تجارت و عدمِ آن، فرضی ندارد. به عبارت دیگر، اختصاص ندارد به مواردی که متجر، ولایت بر تجارت داشته باشد. اما اینکه شخصی غاصب باشد و اصلاً یدِ او بر مال، عدوانی باشد؛ به نظر می‌رسد وجهی برای شمولش نباشد.

مرحوم شیخ طوسی و دیگران می‌فرمایند کسی که با مال یتیم، تجارت بکند و سودی حاصل بشود، آن سود برای یتیم است. معلوم نیست مرادشان جایی باشد که غاصبی، مال یتیم را برداشته و با آن تجارت می‌کند. صورت‌های متعارفی را بیان می‌کنند که آن شخص، یدِ مجاز بر مال طفل دارد.

روشن است که یدِ وصیّ و ولیّ، یدِ مجاز است. علاوه بر ایشان، کسی که مال یتیم در اختیار اوست، ممکن است یدِ مجاز داشته باشد. مثل آنکه از پدرِ یتیم، مالی به عنوان امانت یا مضاربه در اختیارش بوده است. پس از فوت پدر نیز کسی نیست که مال را به او تحویل بدهد، چون میت وصیّ تعیین نکرده است. از طرف دیگر، نمی‌تواند مال یتیم‌ها را در اختیار خودشان بگذارد. در این موارد، باید مال را حفظ کند تا بزرگ شوند و تحویل ایشان بدهد. در بعضی موارد، امکان تعیین وصیّ شرعی نیز وجود ندارد. به خصوص در زمان‌های گذشته که ائمه علیهم السلام وارد این مسائل نمی‌شدند. الان هم بعضی از افراد، دسترسی به حاکم شرعی که تعیین وصیّ بکند، ندارند. در این صورت باید مال را حفظ کند تا یتیم بزرگ شود.

بعضی از روایت‌ها، ربح را برای یتیم ثابت کرده‌اند و متجر را ضامن دانسته‌اند. یعنی فقط حق دارد آن مال را حفظ کند نه آنکه با آن مال تجارت بکند. منافات ندارد از طرف دیگر، شارع حکم کرده باشد در صورت سود داشتن، تجارت صحیح است. همچنین ممکن است از طرف دیگر حکم کرده باشد اگر تجارت کرد و زیان دید، اصلاً تجارت تصحیح نشده باشد. زیان دیدن مثل آنکه تجارت کرده و مال را به طرف مقابل تحویل داده است، اما پولی که گرفته است کمتر از مقدار مال است و نمی‌تواند دوباره مال یتیم را برگرداند. پولی که دریافت کرده است به اندازه مالیت مال یتیم نبوده است.

در صورت خسران و ضمان، معلوم نیست تجارت را تصحیح کرده باشد. ضمان متجر، ممکن است به این معنا باشد که معامله صحیح نیست و کل مال یتیم را باید به او برگرداند. یا کل مال بچه را باید برگرداند یا عوض آن را. معنایش آن نیست که حتماً آن معامله تصحیح شده است. ولی ربح فرق دارد. ثبوت ربح برای یتیم به معنای آن است که معامله تصحیح شده و سودش نیز برای یتیم است.

اما زیان دیدن و ضمانت تاجر، ممکن است ضامن عین مال بچه باشد [عدم تصحیح معامله] یا ضامن عوض آن [تصحیح معامله]. اگر ضامن عوض آن باشد، به معنای تصحیح معامله است. پول به ملکِ یتیم آمده است ولی مقدار زیان را باید جبران کند. اما معلوم نیست مراد از ضمان، فقط همین صورت باشد. ضمان یعنی یا خود مال بچه را باید برگرداند یا عوض آن را. اگر می‌تواند معامله را به هم بزند یا به طرف مقابل بگوید معامله باطل است، همین کار را باید بکند. ولی در بسیاری از مواقع نمی‌تواند این کار را بکند. در این صورت باید عوضش را بدهد.

## دسته دوم: سود برای یتیم و ضمانت متجر

برخی از روایات می‌فرماید ربح برای یتیم است و متجر ضامن می‌باشد. چهار روایت این مضمون را نقل کرده‌اند:

1. صحیحه سعید السمان[[7]](#footnote-7).
2. صحیحه حلبی[[8]](#footnote-8).
3. مرسله زراره و محمد بن مسلم[[9]](#footnote-9).
4. منصور الصیقل[[10]](#footnote-10).

## دسته سوم: ثبوت ربح برای یتیم و ضمانت تاجر در صورت عدم مَلیّ بودن

در این دسته از روایات فرموده‌اند سود برای یتیم است و عامل و تاجر در صورتی ضامن است که مال نداشته باشد. از این روایات استفاده می‌شود اگر مال داشته باشد، فی الجمله و در بعضی از موارد، ضامن نیست. دو روایت با این مضمون نقل شده است:

1. صحیحه محمد بن مسلم[[11]](#footnote-11).
2. حدیث ربعی بن عبد الله[[12]](#footnote-12).

اینکه اگر مال نداشته باشد، ضامن است؛ به معنای آن نیست که اگر مال داشته باشد، ضمانی در کار نیست. بلکه [اگر مال نداشته باشد] ربح برای او نیست. این تعبیر، ناظر به آن جهت است که اگر مال داشته باشد می‌تواند اقتراض کرده و برای خودش بردارد؛ در نتیجه مال خودش می‌شود. در اینجا هم ضامن هست ولی سود را می‌تواند بردارد. پس فرق مال داشتن و نداشتن، در ضامن بودن و ضامن نبودن، نیست. فرق این دو در آن است که سود تجارت به متجر می‌رسد یا نه. اگر مال داشته باشد، می‌تواند قرض بردارد و در نتیجه ذمه‌اش مشغول به عوض آن، برای یتیم می‌شود. بنابراین عینِ آن مال، برای خودش می‌شود و معامله آن صحیح است و سود نیز به متجر تعلق می‌گیرد.

سؤالی که پیش می‌آید آن است که تعلق سود به متجر (در فرض مَلیّ بودنش) در چه صورتی است؟ آیا همه اشخاص حق اقتراض دارند؟

قدر مسلم از کسانی که حق اقتراض دارند، وصیّ است. این روایات را باید همراه با دسته دیگری از روایات معنا نمود که بیان می‌کنند در چه مواردی اقتراض از مال یتیم، صحیح است. بنابراین ضرورتی ندارد حتماً این روایات، اختصاص به وصیّ داده شوند. ممکن است گفته شود، جواز اقتراض اختصاص به وصیّ ندارد. غیر وصیّ هم می‌تواند از مال یتیم، اقتراض کند.

مواردی بیان شدند که از روایات استفاده می‌شود غیر وصیّ نیز حق اقتراض از مال دیگران دارد مثل ودعیّ. کسی که ودیعه نزد اوست، حق اقتراض از مال ودعیّ دارد. همچنین مادر نیز حق اقتراض از مال فرزندش دارد. پس لازم نیست اقتراض، مختص وصیّ شمرده شود.

البته باید دید خود این روایات اطلاق دارند یا نه. یک بحث آن است که این روایات ذاتاً اطلاق دارند یا نه؟ بحث دیگر آن است که اگر ذاتاً اطلاق داشتند و شامل غیر وصیّ نیز می‌شود، اطلاقش قابل اخذ و پذیرش هست یا نه؟

به نظر می‌رسد مانعی ندارد که این اطلاق پذیرفته شود، البته در جایی که ولایت بر حفظ مال داشته باشد. شارع به او اجازه حفظ مال داده است و ممکن است در قبال زحمتی که می‌کشد، اجازه اقتراض به او داده شده باشد. همانطور که در مورد مادر نیز ممکن است شارع به او، اجازه اقتراض از مال فرزند را داده باشد، بدون آنکه وظیفه حفظ مال را بر عهده داشته باشد. لازم نیست مال فرزند، در دست مادر باشد و ممکن است صرفِ مادر بودن، چنین اقتضائی داشته باشد.

در جایی که آن شخص، هیچ تسلطی بر مال نداشته و ولایت بر حفظ در اختیارش نباشد، خیلی بعید است که گفته شود حق اقتراض از آن مال دارد. حق اقتراض در این فرض، خلاف ارتکاز عقلائی است. در مقابل شخصی که ولایت بر حفظ مال دارد، ممکن است شارع در قبال حفظ مال، تسهیلی برای او قرار داده باشد. به او اجازه داده باشد در شرایط خاصی (مثل آنکه مَلیّ باشد) اقتراض کند و برای خودش تجارت کند و مال صبی را به ذمه بگیرد.

عمده بحث در جایی است که حفظ مال، به عهده متجر است. به عبارت دیگر ید متجر بر مال صبی، ید امانی است. ید مجاز است نه ید عدوانی و غاصبانه. در این صورت، مشکلی ندارد اجازه اقتراض داشته باشد. تصور ما آن است که مرحوم شیخ طوسی نیز زکات را بر همین دسته ثابت می‌کنند. بعضی از فقهاء تصریح به تصحیحِ معامله کرده‌اند در جایی که متجر ولیّ نیست.

با توجه به دسته دیگر روایات باید ببینیم اطلاق دارد یا نه.

دو بحث مختلف است و این دو بحث باید جداگانه بررسی شوند. یکی آنکه در چه مواردی سود برای یتیم است. در مورد اینکه تجارت توسط غیر وصیّ و ولیّ انجام بشود و ربح برای یتیم باشد؛ بسیاری از علما فتوا داده‌اند. بحث دیگر اقتراض از مال یتیم است. ما می‌خواهیم جواز اقتراض از مال یتیم و صبی را مقداری توسعه بدهیم. والا در مورد اینکه معامله با مال صبی برای غیر ولیّ صحیح است، قائل زیادی دارد. قبل از شهید اول، هیچ عالمی صحت معامله را مشروط به اجازه ولیّ ندانسته است. شهید اول برای اولین بار این قید را مطرح کرده‌اند. ما می‌خواهیم بگوییم این قید، هیچ وجهی ندارد. نه فقها چنین قیدی زده‌اند و نه روایات چنین قیدی دارد.

جواز اقتراض و ربح متفاوت هستند. اینکه غیر ولیّ بتواند اقتراض کند، شاید فتوای صریحی در مورد غیر وصیّ پیدا نشود. البته در مورد ودعیّ و امثالش وجود دارد لکن فتوای روشنی در مورد غیر ودعیّ و غیر مادر، بر جواز اقتراض شاید پیدا نشود. این فتوا، راحت نیست. اما در مورد اینکه غیر ولیّ و وصیّ اگر تجارت بکند ـ ولو آن تجارت محرّم باشد ـ ممکن است از نظر وضعی، آن معامله صحیح باشد.

## دسته چهارم: ضمانت وصیّ

برخی از روایات می‌گویند اگر وصیّ با مال یتیم تجارت کند، ضامن است. در این روایات، ضمان را در خصوص وصیّ ثابت کرده‌اند. ولی در دو دسته قبلی روایات، صراحتاً وصیّ را بیان نکرده بودند. یک روایت در این دسته قرار می‌گیرد که صحیحه اسماعیل سعد اشعری است[[13]](#footnote-13).

## دسته پنجم: عدم ضمانت وصیّ در صورتی که ناظر باشد

وصیّ اگر با مال یتیم تجارت کند، در صورتی ضامن نیست که ناظر باشد. بحث مفصلی در معنای ناظر بیان شد. نهایتاً به این نتیجه رسیدیم که ناظر به معنای کسی است که حق تجارت داشته باشد. ناظر کسی است که توسط میت، حق تجارت برایش ثابت شده باشد. این دسته نسبت به روایتی (دسته چهارم) که وصیّ را ضامن می‌داند، اخص مطلق است. بنابراین به راحتی آن روایت را تخصیص می‌زند. این دسته یک روایت دارد که همان روایت ابی الربیع است[[14]](#footnote-14).

## دسته ششم: جواز مضاربه با مال یتیم توسط وصیّ و تقسیم سود بین هر دو

در این دسته نیز همان روایت قبل، قرار می‌گیرد و از آن چنین تعبیر کرده‌اند: «جواز مضاربة الوصیّ بمال الیتیم وکون الربح بینهما». وصیّ می‌تواند با مال یتیم مضاربه کند و سود بین هر دو تقسیم می‌شود که یعنی، مضاربه صحیح است.

در صدر روایت ابی الربیع، قید «اذا کان ناظرا» نیامده بلکه در ذیل، ذکر شده است. ولی به نظر می‌رسد این قید، عملاً هم برای صدر باشد و هم برای ذیل. در واقع امام علیه السلام، صورتی را تأکید می‌کنند که آن شخص، اجازه مضاربه با مال را داشته است. عبارت «یعمل به کما یعمل بمال غیره» ناظر به صورتی است که اجازه داشته است با مال یتیم مضاربه کند.

در میان عامه بحثی است که اگر میّت اجازه بدهد خود وصیّ تجارت و مضاربه بکند، باز هم وصیّ نمی‌تواند تجارت و مضاربه کند. اگر هم وصیّ تجارتی بکند و سودی حاصل بشود، به یتیم تعلق می‌گیرد. قید «ناظرا له» در این روایت، صورتی را بیان می‌کند که در تجارت کردن مجاز بوده است. در واقع قید «اذا کان ناظرا له» به نوعی تبیین علت عدم ضمان است. وقتی میت اجازه داده که وصیّ مضاربه کند، وجهی ندارد وصیّ ضامن باشد. او حق داشته در این مال تصرف و مضاربه کند.

مشکل عامه آن است که مضاربه را عقدی می‌دانند که باید بین دو نفر منعقد بشود. وصیّ نمی‌تواند با خودش عقد مضاربه ببندد. این روایات، در واقع پاسخ به این استدلال هستند. وصیّ دو شأن دارد. یک شأن به اعتبار آن است که جای میت قرار گرفته و شأن دیگر به اعتبار آنکه در جایگاه خودش قرار دارد. به اعتبار آنکه میت به او حق مضاربه داده است، جهت متفاوتی است نسبت به حیثی که می‌خواهد مضاربه کند. به عبارت دیگر همچنانکه میت می‌توانست با این شخص، عقد مضاربه ببندد؛ خود وصیّ نیز می‌تواند با خودش عقد مضاربه را ببندد. پس پاسخ اشکالی است که در فضای عامه مطرح بوده است.

بنابراین معلوم نیست این روایت شامل جایی بشود که وصیّ حق مضاربه نداشته باشد. اگر هم اطلاق داشته باشد، روایت‌هایی که ضمان را ثابت کرده‌اند، این روایت را تخصیص می‌زنند. همان روایتی که می‌فرمایند وصیّ اگر تجارت کند ضامن است و حرمت تکلیفی دارد [توسط این روایت مقید می‌شود به صورتی که وصیّ حق مضاربه نداشته باشد].

تصور ما بر آن است که روایت ابی الربیع ذاتاً اطلاق ندارد. اگر هم ذاتا اطلاق داشته باشد نسبت به جایی که وصیّ حق تجارت در مال ندارد؛ توسط روایت‌های دیگر مقید می‌شود. روایت‌های دیگری که حکم به ضمان وصیّ کرده‌اند در صورتی که حق تجارت نداشته باشد. همچنین حکم به حرمت تکلیفی نیز مطرح شده است. از روایت ابی الربیع برداشته می‌شود که نه حرمت تکلیفی دارد و نه ضامن است.

دسته بندی بقیه روایات در جلسات آینده بیان می‌شود.

1. . أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: أَرْسَلْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّ لِي إِخْوَةً صِغَاراً فَمَتَى تَجِبُ عَلَى أَمْوَالِهِمُ الزَّكَاةُ قَالَ إِذَا وَجَبَتْ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ وَجَبَتِ الزَّكَاةُ قُلْتُ فَمَا لَمْ تَجِبْ عَلَيْهِمُ الصَّلَاةُ قَالَ إِذَا اتُّجِرَ بِهِ فَزَكِّهِ. [الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏3، ص 541](https://lib.eshia.ir/11005/3/541). جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۶۶. [↑](#footnote-ref-1)
2. . سَعْدٌ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْن‏ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا ع عَنْ صِبْيَةٍ صِغَارٍ لَهُمْ مَالٌ بِيَدِ أَبِيهِمْ أَوْ أَخِيهِمْ هَلْ تَجِبُ عَلَى مَالِهِمْ زَكَاةٌ فَقَالَ لَا تَجِبُ فِي مَالِهِمْ زَكَاةٌ حَتَّى يُعْمَلَ بِهِ فَإِذَا عُمِلَ بِهِ وَجَبَتِ الزَّكَاةُ فَأَمَّا إِذَا كَانَ مَوْقُوفاً فَلَا زَكَاةَ عَلَيْهِ. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص27.](http://lib.eshia.ir/10083/4/27/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۶۷. [↑](#footnote-ref-2)
3. . عَلِيُّ بْنُ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّال‏ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُمَرَ بْنِ أَبِي شُعْبَةَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سُئِلَ عَنْ مَالِ الْيَتِيمِ فَقَالَ لَا زَكَاةَ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ يُعْمَلَ بِهِ. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج4، ص27.](http://lib.eshia.ir/10083/4/27/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۷۸. [↑](#footnote-ref-3)
4. . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع هَلْ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ قَالَ لَا إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ أَوْ يُعْمَلَ بِهِ. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص541.](http://lib.eshia.ir/11005/3/541/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، ص ۱۲۹۶۹. [↑](#footnote-ref-4)
5. . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَعِيدٍ السَّمَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ فِي مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ فَإِنِ اتُّجِرَ بِهِ فَالرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ فَإِنْ وُضِعَ فَعَلَى الَّذِي يَتَّجِرُ بِهِ. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص541.](http://lib.eshia.ir/11005/3/541/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۷۱. [↑](#footnote-ref-5)
6. . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي مَالِ الْيَتِيمِ عَلَيْهِ زَكَاةٌ فَقَالَ إِذَا كَانَ مَوْضُوعاً فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ وَ إِذَا عَمِلْتَ بِهِ فَأَنْتَ لَهُ ضَامِنٌ وَ الرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص540.](http://lib.eshia.ir/11005/3/540/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۷۲. [↑](#footnote-ref-6)
7. . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مَرَّارٍ عَنْ يُونُسَ عَنْ سَعِيدٍ السَّمَّانِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ لَيْسَ فِي مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ فَإِنِ اتُّجِرَ بِهِ فَالرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ فَإِنْ وُضِعَ فَعَلَى الَّذِي يَتَّجِرُ بِهِ. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص541.](http://lib.eshia.ir/11005/3/541/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۷۱. [↑](#footnote-ref-7)
8. . عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فِي مَالِ الْيَتِيمِ عَلَيْهِ زَكَاةٌ فَقَالَ إِذَا كَانَ مَوْضُوعاً فَلَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ وَ إِذَا عَمِلْتَ بِهِ فَأَنْتَ لَهُ ضَامِنٌ وَ الرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج3، ص540.](http://lib.eshia.ir/11005/3/540/) جامع احادیث الشیعه، ج ۹، حدیث ۱۲۹۷۲. [↑](#footnote-ref-8)
9. . عن زرارة و محمد بن مسلم عن أبي عبد الله ع أنه قال‌ مال اليتيم إن عمل به من وضع على يديه ضمنه- و لليتيم ربحه، قال: قلنا له قوله: «وَ مَنْ كانَ فَقِيراً فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ» قال: إنما ذلك إذا حبس نفسه عليهم في أموالهم- فلم يتخذ لنفسه فليأكل بالمعروف من مالهم‌. [تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۲۲۴](https://lib.eshia.ir/12013/1/224). جامع احادیث الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۲۵۳۸. [↑](#footnote-ref-9)
10. . علي بن الحسن بن فضال عن العباس بن عامر عن ابان بن عثمان عن منصور الصيقل قال: سألت ابا عبد الله عليه‌السلام عن مال اليتيم يعمل به؟ قال فقال: إذا كان عندك مال وضمنته فلك الربح وانت ضامن للمال، وان كان لا مال لك وعملت به فالربح للغلام وانت ضامن للمال. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۲۹](https://lib.eshia.ir/10083/4/29). جامع احادیث الشیعة، ج ۲۲، ص ۴۷۳، حدیث ۳۲۵۳۹. [↑](#footnote-ref-10)
11. . عَلِيُّ‌ بْنُ‌ إِبْرَاهِيمَ‌ عَنْ‌ أَبِيهِ‌ عَنْ‌ حَمَّادِ بْنِ‌ عِيسَى عَنْ‌ حَرِيزٍ عَنْ‌ مُحَمَّدِ بْنِ‌ مُسْلِمٍ‌ عَنْ‌ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ‌ عَلَيْهِ‌ السَّلاَمُ‌: فِي مَالِ‌ الْيَتِيمِ‌ قَالَ‌ الْعَامِلُ‌ بِهِ‌ ضَامِنٌ‌ وَ لِلْيَتِيمِ‌ الرِّبْحُ‌ إِذَا لَمْ‌ يَكُنْ‌ لِلْعَامِلِ‌ بِهِ‌ مَالٌ‌ وَ قَالَ‌ إِنْ‌ أُعْطِبَ‌ أَدَّاهُ‌. [الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏۵، ص ۱۳۱](https://lib.eshia.ir/11005/5/131). جامع احادیث الشیعة، ج ۲۲، ص ۴۷۲، حدیث ۳۲۵۳۴. [↑](#footnote-ref-11)
12. . مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ رِبْعِيِّ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: فِي رَجُلٍ عِنْدَهُ مَالُ الْيَتِيمِ فَقَالَ إِنْ كَانَ مُحْتَاجاً وَ لَيْسَ لَهُ مَالٌ فَلَا يَمَسَّ مَالَهُ وَ إِنْ [هُوَ] اتَّجَرَ بِهِ فَالرِّبْحُ لِلْيَتِيمِ وَ هُوَ ضَامِنٌ. [الكافي (ط - الإسلامية)، ج‏۵، ص ۱۳۱](https://lib.eshia.ir/11005/5/131). جامع احادیث الشیعة، ج ۲۲، ص ۴۷۲، حدیث ۳۲۵۳۵. [↑](#footnote-ref-12)
13. . أحمد بن محمد بن عيسى عن اسماعيل بن سعد الاشعري عن ابى الحسن الرضا عليه‌السلام قال : سألته عن مال اليتيم هل للوصي أن يعينه أو يتجر فيه؟ قال : ان فعل فهو ضامن. [تهذیب الأحکام، شیخ طوسی، ج ۹، ص ۲۴۱](https://lib.eshia.ir/10083/9/241/%D8%B3%D8%A7%D9%84%D8%AA%D9%87_%D8%B9%D9%86_%D9%85%D8%A7%D9%84_%D8%A7%D9%84%DB%8C%D8%AA%DB%8C%D9%85_%D9%87%D9%84_%D9%84%D9%84%D9%88%D8%B5%DB%8C_%D8%A7%D9%86_%DB%8C%D8%B9%DB%8C%D9%86%D9%87_%D8%A7%D9%88_%DB%8C%D8%AA%D8%AC%D8%B1_%D9%81%DB%8C%D9%87). جامع احادیث الشیعه، ج ۲۴، ص ۳۳۷، حدیث ۳۵۵۳۳. [↑](#footnote-ref-13)
14. . محمد بن علي بن محبوب عن احمد عن الحسن بن محبوب عن خالد بن جرير عن ابي الربيع قال : سئل أبو عبد الله عليه‌السلام عن الرجل يكون في يده مال لاخ له يتيم وهو وصيه أيصلح له أن يعمل به؟ قال : نعم يعمل به كما يعمل بمال غيره والربح بينهما ، قال : قلت فهل عليه ضمان؟ قال : لا إذا كان ناظرا له. [تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، ج ۴، ص ۲۸](https://lib.eshia.ir/10083/4/28). [↑](#footnote-ref-14)